مقاله مروری (مروری توصیفی)

التزام به ارزشهای اخلاقی در مکتب رمانتیسیم
(با نگاهی به اشعار فریدون مشیری و ویلیام بلیک)

نادر کریمی راد[۱]، دکتر مسعود پاکدل[۲]*، دکتر نگین حیدرزاده[۳]، دکتر اخلاص ویسی[۴]

۱. **دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.**

۲. **گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.**

۳. **گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران.**

۴. **گروه زبان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.**

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷)

چکیده

زمینه: جنبش رمانتیسم، احساسات شدید را منبعی اصیل برای تجربه زیبایی‌شناسانه می‌داند و بر احساساتی از قبیل ترس، وحشت و حیرت تمرکز دارد، به‌خصوص در مواجهه با زیبایی متعالی و زیبایی طبیعت. در این نوشتار با تحلیل اشعار فریدون مشیری و ویلیام بلیک نگرش این دو شاعر به التزام به ارزشهای اخلاقی در بستر مفاهیم مکتب رمانتیسیم بررسی می شود. اهمیت نوشتار به سبب برجسته شدن احساسِ انسانی در تقابل با عقل گرایی اخلاقی در اشعار این دو شاعر است.

نتیجه گیری: تحلیل اشعار نشان داده شد که اخلاق رمانتیسیستی مشیری و بلیک از اخلاق صرفاً فردی به نوعی اخلاق دیگری خواهانه برای پدید آمدنِ اجتماعی اخلاقی حرکت می کنند. در اشعار بلیک موضوع ارزشهای اخلاقی مبتنی بر نگرشهای اخلاقی فیلسوفانی چون روسو است اما مشیری نگرش خود درباره ارزشهای اخلاقی را بر اساس مفاهیم ریشه دار در فرهنگ ایرانی و دینی نظیر عشق و از خودگذشتگی تبیین می کند. همسویی این دو شاعر در تأکید بر ارزشهای اخلاقی است که فارغ از محاسباتِ سودانگارانه عقلی و مبتنی بر محبتی بی چشمداشت به بشریت است. باید تأکید داشت که ارزشهای اخلاقی در اشعار این دو شاعر برآمده از مبانی فکر رمانتیسیم و مبتنی بر آن است.

کلیدواژگان: ارزشهای اخلاقی، عشق، رمانتیسیم، فریدون مشیری، ویلیام بلیک

سرآغاز

آنچه در تحلیل مبانی اخلاقی[۱] نظیر ارزشهای اخلاقی[۲] دارای اهمیت است توجه به این موضوع است که چه امری تعیین کننده ارزش برای گزاره های اخلاقی است. ارزش در اخلاق دسته بندی امور میان امور خوب و امور بد است و در مکاتب مختلف اخلاقی آنچه تعیین کننده این ارزشهاست، متفاوت است (۱و ۲). به عنوان مثال در مکتب لذت انگارانه، تعیین کننده ارزشهای اخلاقی نظیر خوب و بد، پدید آوردن لذت و در مقابل آن پدید آوردن رنج، اصل برای ارزش گذاری امور است. در نگرش رمانتیسیتی[۳] درون انسان به خودی خود منبع کمالات اخلاقی نیست بلکه در سایه اتصال به منابع بیرونی یعنی طبیعت سرشار از دریافت ها و بینش های اخلاقی خواهد شد. بر این اساس باورهای اخلاقی اموری هستند که قابل دریافت از طبیعت هستند(۳).

البته نگاه به رنج دیگران همچون رنجی که از ستم و فقر بر بسیاری از مردم جامعه روا داشته می شود از مواردی هستند که اخلاق رمانتیسیستی بر آن تأکید دارد. این موضوع در مفهوم «روح دوپاره» تأکید شده است. یک پاره رنج روحی و دیگری شوق و اشتیاق. این یکی از تاثیرگذارترین وجوه اندیشه روسو بر پیشروان انقلاب فرانسه است؛آنها که از فقر و بدبختی و ستمی که به مردم می رفت، دچار اندوه شدند و با شور و شوق برای از میان بردن آن بدبختی ها به پا خاستند. آنها در این مبارزه با حل کردن خود در رنج و محنت مردم، همبستگی عمومی ایجاد کردند. «روسو غمخواری و دل نمودگی را وارد فلسفه سیاسی کرد و روبسپیر به نیروی سخنوری آن را به کوی و برزن برد.». از این نظر هم، رهبران انقلاب فرانسه پیشرو انقلابیون روسیه و حزب بلشویک

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: pakdelmasoud18@gmail.com

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۴۰۲

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

بودند که کارگران را فاقد شعور طبقاتی برای ظلم ستیزی و گرفتن حقوق خود می دانستند و با ابراز همدردی با آنها، سعی بر بهبودی اوضاع زندگی آنها داشتند. این احساس همدردی در مارکس نیز وجود داشت. او «وضع روزگار خویش را می دید و به سبب بشردوستی، سینه یی پر از خشم داشت و احساس می کرد دل دردمند ستمدیدگان را باید با پیشگویی، آرام بخشد و به ایشان امید و حتی اطمینان بدهد که پیروزی با آنهاست.»(۴و ۵).

یکی دیگر از نتایج اعتقاد به سمبل در اخلاق رمانتیسیم، نوستالژی[۵] است. نوستالژی به این معنی است که چون انسان نمی تواند نامتناهی را درک کند، باید از طریق بازگشت به عقب، در آن بی نهایت حل شود. «در نظر رمانتیک ها، زیستن یعنی دست به کاری زدن و دست به کاری زدن یعنی بیان ماهیت خود. بیان ماهیت خود یعنی بیان رابطه خود با جهان. رابطه شما با جهان، بیان نشدنی است، اما در هر حال باید آن را بیان کنید. عذاب شما و مشکل شما در همین جا است. این همان اشتیاق است... به همین دلیل باید در پی مثال های غریب برویم... از همین روست که تن به انواع خیالپردازی ها می سپاریم. این دقیقاً همان نوستالژی رمانتیک است.»(۶). هنرمند رمانتیک به وسیله هنر، خواهش های دل و رنج های روح خود را بیان می دارد. اندوه رمانتیک از دیدن گذشت بی رحمانه زمان شدت می یابد. این اندوه معمولا زاییده توقعات تسکین ناپذیر قلبی است که در جهان بی احساس، بی اخلاق و بی ایمان گرفتار شده است(۷).مهمترین شاخصه های مکتب رمانتیسیم از قرار زیر هستند:

آزادی[۶]: سال ۱۸۳۰ سال انقلاب ادبی است. در این سال ویکتور هوگو و دوستانش به پیروی از دستورهایی که قبلاً در مجله خودشان درج شده بود، رمانتیسم را به‌عنوان مکتب آزادی و هنر معرفی کردند. هنرمند رمانتیک برای خواهش‌ها و احتیاجات روح خود اهمیت قائل است و می‌گوید آنچه به هنرمند الهام می‌بخشد و معنی و مفهوم زندگی شمرده می‌شود «عشق و علاقه است» و این علاقه باید آزاد باشد. اگر هنرمند به علت فشار جامعه و قوانین اخلاقی و یا بر اثر موهومات به عقب رانده شود و نیروهای او پنهان و مکتوم بماند حق دارد درباره جامعه و قوانین آن داوری کند و حکم بدهد و محیط و اخلاقی که برای رشد خود او مساعد باشد به‌وجود آورد. ادبیات می‌تواند هر گوشه‌ای از زندگی را، چه زیبا و چه زشت، چه عالی و چه دانی، موضوع بحث خود قرار دهد. از هر دوره تاریخ و از هر گونه مناظر دنیا می‌تواند استفاده کند(۸).

شخصیت[۷]: هنرمند رمانتیک، به دنبال آزادی از قید قواعد کلاسیک فرمانروایی «من» را در هنر مستقر می‌سازد و به وسیله هنر خواهش‌های دل و رنج‌های خود را بیان می‌دارد ولی این روش هنرمند را نباید دلیل خودستائی او و فرار از بشریت دانست. قبلاً هنرمند کلاسیک برای توصیف «انسان کلی» قهرمانی را از میان افسانه‌ها و اساطیر می‌گزید، اما هنرمند رمانتیک خویشتن را به جای قهرمان افسانه‌ای می‌گذارد و نمونه همنوعان خویش قرار می‌دهد. (۷)

هیجان و احساسات[۸]: هنرمند رمانتیک پیش از آنکه بر مبانی معقول و خودگرایانه تکیه کند به خواستهای حسی و خرد گریزی گرایش داشت. آلفرد دو موسه در سال ۱۸۲۴ می‌گفت: باید هذیان گفت. آنچه باید بیان کرد هیجان شاعر است و آنچه باید بدست آورد هیجان مردم. (۸). دل باید بی قید و بند سخن بگوید و بی قید و بند فرمان براند. شاعر موهای آشفته را به دست باد سپرده، شنل سیاهی بر دوش، زیر سایه بیدی در روشنایی ماه و در کنار برجی ویران و با دلی که بی شک بر اثر عشق بد فرجامی شکسته است با خویشتن خلوت می‌کند و غرق رویا می‌شود. ادبیات رمانتیک چنین قیافه قراردادی را تعمیم داده و توده مردم را با آن آشنا ساخته است. اندوه رمانتیک از دیدن گذشت بیرحمانه زمان شدت می‌یابد. این اندوه معمولاً زائیده توقعات تسکین ناپذیر قلبی است که در جهانی بی‌احساس و بی‌ایمان گرفتار شده است. (۷)

گریز و سیاحت: آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی فضاها یا زمانهای دیگر، دعوت به سفر تاریخی یا جغرافیایی، سفر واقعی یا بر روی بال‌های خیال، یکی دیگر از مشخصات آثار رمانتیک‌هاست. (۸)

کشف و شهود[۹]: هنرمند رمانتیک تخیل و امید و آرزو و معجزه را جانشین حقیقت می‌سازد و پیش از تقلید پایبند تصور است. هنر خود را با مبالغه می‌آمیزد، یعنی آنچه که هست نمی‌گوید بلکه از آنچه که باید باشد بحث می‌کند. او از طریق کاوش در ذهن خود دنبال کشف ناشناخته هاست. (۸)

بازگشت به آغاز و دوران کودکی و طبیعت دست نخورده: در ادبیات دوران رمانتیسم، هم کودک و هم پاکی‌های او را عزیز می‌دارند و هم خاطرات و یادهای دوران کودکی دائماً برای شاعران و نویسندگان تداعی می‌شود. این یادمان‌های کودکی از یک سو یادآور پاکی و صفا و صمیمیت است و از سوی دیگر، چون بیانگر معصومیتی زوال یافته و بهشتی گمشده است، موجب اندوه می‌شود. این توجه خاص به کودک و دوران کودکی در اغلب آثار رمانتیک‌ها دیده می‌شود(۹).

مرگ اندیشی[۱۰]: شاعران مکتب رمانتیک آن چنان از مرگ، ملال، گور و زوال سخن گفته‌اند که این نوع اشعار، به نام «مکتب شعر گورستان» معروف شد. شعرهای «افکار شبانه» از ادوار یانگ، «گور» از رابرت بلیر، «مرثیه» از گری، و «مکاشفه‌هایی در میان مقابر» از جیمز هاردی نمونه‌های معروف این جریان بوده‌اند(۱۰).

افسون سخن: «کلمه» تنها بیان کننده یک منظور ساده نیست بلکه برای خود ارزش و اهمیت خاصی دارد و باید متوجه مفهوم خیال انگیز و ارزش آهنگ آن بود اکنون بیش از هر چیزی باید در روابط کلمات با یکدیگر و هیجان‌ها و خاطره‌هایی که هر یک از آنها برمی‌انگیزد دقت کرد. در سال ۱۸۲۰ هنوز «کلمه» برده ای بیش نبود. مردم سال ۱۸۳۰ آن را آزاد ساختند و در سال‌های بعد از آن مقام فرمانروائی یافت. توجه به ارزش کلمات مختلف، قاموس رمانتیک را غنی‌تر ساخت و اکتفاء به کلمات ساده و معینی که جزء اصول کار کلاسیک‌ها بود متروک گردید.

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۴۰۲
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

بازگشت به طبیعت[11]: همدلی با طبیعت و باز نمودن احساسات و عواطف انسانی در آن یکی از شاخصه‌های اصلی آثار رمانتیک‌هاست. در این رویکرد، شاعر و نویسنده آن، احساس و عاطفه‌ای را مجسم می‌کند که خود دچار آن است، در زمان شور و شادی، طبیعت نیز همین خصوصیت را دارد و در زمان اندوه و افسردگی که احساس غالب در این دوره است، طبیعت نیز همین حالت را انعکاس می‌دهد. از همین روست که تشخیص یا شخصیت بخشی یکی از ویژگی‌های اشعار رمانتیک محسوب می‌شود(۹).

طبیعت گرایی[12] (دوستی با طبیعت): اکثر رمانتیک‌ها در آثار خود به طبیعت پرداخته‌اند و طبیعت را به‌عنوان مأمن دردها و دغدغه‌ها و سنگ صبوری برای رنج‌های خود برگزیده‌اند(۱۱). شاعر رمانتیک روح حیات را در اجسام و طبیعت حس می‌کند. زمزمه و ناله‌ی بادها و سنگ‌ها را می‌شنود و به نجوای سکوت دل آنها گوش جان فرا می‌دهد. گویی آنها موجودات زنده‌ای هستند که از عاطفه و احساس برخوردارند(۱۲). در رمانتیسم توصیف بیرونی طبیعت «جای خود را به درک درونگرایانه طبیعت و همدلی با آن می‌دهد. طبیعت در رمانتیسم موجود زنده‌ای است که در زندگی دائم التغییر است و حالات و خصوصیات آن به اندازه روحیات انسان متنوع و گوناگون است(۱۳).

التزام به ارزشهای اخلاقی در اشعار ویلیام بلیک

اخلاق بلیک، اخلاقی اجتماعی[13] است که صرفاً ارزشهای فردی را مدنظر ندارد. اخلاق او جهان و مردمان نظر دارد و به زندگی با تمام دردها و لذتهایش نظر دارد و به همین به جامعه، اخلاقی را معرفی می کند که آکنده از عشق و وحدت درباره ارزشهای اخلاقی است. بر اساس این نگرش است که برخی او را صرفا مصلحی اجتماعی می دانند اما اخلاق نزد بلیک جهت بهبود وضع جامعه، مبارزه با ظلم و ریای عوام فریبانه، آگاهی دادن درباره ارزش اخلاقی زیستن و به وجود آوردن همدلی و وحدت میان مردم است.از آنجا که اخلاق بلیک حاصل پیوند اخلاق مسیحی[14] و مکتب رمانتیسیم است با تخیل درآمیخته و به خردورزی –عقل معاش- با نگاهی نقادانه می نگرد. وی وحدت و عزت و بازگشت به اصل الهی را در گرو همین تخیل ورزی می داند تخیلی که از محصور ماندن در قالب تجربیات دیگران که آدمی را از معصومیت حقیقی خود دور می کند، می رهاند. (۱۴). ارزشهای اخلاقی به نظر بلیک مبتنی بر نوعی ظهور زیبایی و خیر بدون تهدید دیگران است. بلیک در شعر سوسن این ارزش اخلاقی را در وجوه رمانتیسیستی آن چنین بیان می کند:

«رز خجالتی خاری را پیش روی خویش قرار داده است
و گوسفند معصوم شاخی تهدید کننده را
در صورتی که سوسن سفید باید در عشق مسرور باشد
در حالی که نه خاری و نه تهدیدی زیبایی درخشانش را لکه دار نساخته است».

The Lilly
The modest Rose puts forth a thorn,
The humble sheep a threatening horn:
While the Lily white shall in love delight,
Nor a thorn nor a threat stain her beauty bright.

بر اساس اشعاری از ویلیام بلیک می توان ارزشهای اخلاقی را اموری دانست که فراتر از امور طبیعی هستند یعنی او به نوعی از واقع گرایی اخلاقی نظر دارد. بنابراین ارزشهای اخلاقی نزد بلیک بر اساس معادل بودن خوبی و خیر با لذت تعریف نمی شوند:

«آرام، شب آرام
نور مقدس مشعل های تاب ناکت را خاموش کن
برای تملک روز
هزاران روح سرگردان است
چرا که لذت های شیرین خیانت می کنند
چرا لذائذ باید شیرین باشند؟
درحالی که با نیرنگ خو گرفته اند
و با اندوه ها نیز ملاقات نکرده اند
اما یک لذت واقعی
خودش را ویران می کند
برای یک عشوه گر فاحشه»

Silent, Silent Night
Silent, silent night, Quench the holy light of thy torches bright;
For possessed of Day Thousand spirits stray Those sweet joys betray.
Why should joys be sweet
Used with deceit,
Nor with sorrows meet?
But an honest joy
Does itself destroy for a harlot coy?

به نظر بلیک صرف لذت نمی تواند معیاری برای ارزش اخلاقی یا خوب بودن باشد زیرا لذایذی وجود دارند که علاوه بر خوشآیند بودن با رذایلی نظیر نیرنگ و خیانت نیز همراه هستند (۱۵). به نظر بلیک حتی لذت واقعی نیز اینگونه نیست که خوب صرف باشد زیرا این جوهره را دارد که برای زنی بدسیرت خودش را ویران کند. به نظر بلیک زمانی می تواند لذت معیاری برای خوبی باشد که با امری جاودانه خود را همراه سازد. بلیک در شعر زیر به این موضوع توجه داشته است:

«او که خویشتن را به لذتی وا می دارد
زندگی رویایی را نابود می سازد
اما او که هم زمان با به پرواز درآمدن لذت تنها بوسه ای از آن بر می گیرد
در طلوع خورشید جاودانگی می زید»

Eternity
He who binds to himself a joy
Does the winged life destroy;
But he who kisses the joy as it flies
Lives in eternity's sun rise.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

مقاله مروری (مروری توصیفی)

بلیک در شعری چگونگی رابطه میان لذت و جاودانگی را شرح می دهد و در آن با استفاده از نوع لذتی که کودک آنرا تجربه می کند، این پیوند را چنین بیان می کند:

«من نامی ندارم
من تنها دو روز عمر دارم
تو را چه بنامم؟
من شادم
لذت نام من است
لذتی شیرین تو را در رسد
لذت زیبا
لذت شیرین اما دو روزه
لذت شیرین من تو را می خوانم
تو لبخند می زنی
من زمانی آواز می خوانم
باشد که لذتی شیرین تو را در رسد»

Infant Joy
'I have no name;
I am but two days old.
' What shall I call thee?
'I happy am,
Joy is my name.'
Sweet joy befalls thee!
Pretty joy!
Sweet joy but two days old
Sweet joy I call thee
Thou dost smile
I sing the while
Sweet joy befalls thee

بر اساس آنچه مدنظر بلیک برای التزام به ارزشهای اخلاقی است که از طریق توأمان بودن لذت با جاودانگی بدست می آید، باید توجه داشت که نزد بلیک اموری فی نفسه و بطور واقعی فضیلت و ارزش اخلاقی محسوب می شوند و انسان برای رهایی از امور بد یا دنیوی می باید به آنها التزام داشته باشد. به نظر بلیک این امور جاودانی و ابدی، بخشش، شفقت و صلح هستند. در شعری بلیک این موضوع را توضیح می دهد و ارتباط وثیق آن با ارزشهای اخلاقی اجتماعی را توضیح می دهد(۱۶) به نظر بلیک بدون آنکه فقیری وجود داشته باشد که انسان بتواند به او بخشش و شفقت داشته باشد ارزشهای اخلاقی نظیر بخشش و شفقت نیز وجود نمی داشتند که با التزام به آنها صلح پدید آید.

«من شنیدم فرشته ای می خواند
آن هنگام که روز در شرف ظهوربود
بخشش، شفقت، صلح
راه رهایی دنیاست
بدین سان او تمام روز خواند
فراز علف های تازه چیده شده
تا زمانی که خورشید غروب کرد
و علف های خشک به رنگ قهوه ای درآمدند
من نفرین شیطان را شنیدم
بر فراز خلنگ زار و گیاهان زرد رنگ
رحمتی دیگر نمی توانست وجود داشته باشد
اگر هیچ کس فقیر نبود
و شفقت دیگر نمی توانست وجود داشته باشد
اگر همه چون ما شاد بودند
با نفرین او خورشید غروب کرد
و افلاک ابرو در هم کشیدند
باران سنگینی فرو ریخت
فراز دانه های تازه درو شده
فزوی بدبختی ها
بخشش و شفقت و صلح است».

Heard an Angel
I heard an Angel singing
When the day was springing,
'Mercy, Pity, Peace
Is the world's release.'
Thus, he sung all day
Over the new mown hay,
Till the sun went down
And haycocks looked brown.
I heard a Devil curse
Over the heath and the furze, 'Mercy could be no more,
If there was nobody poor,
And pity no more could be,
If all were as happy as we.'
At his curse the sun went down, And the heavens gave a frown.
Down poured the heavy rain Over the new reaped grain ... And Miseries' increase Is Mercy, Pity, Peace.

در اشعار بلیک رویکردی از عشق وجود دارد که بر اساس آن می توان انگیزه آدمی برای التزام به ارزشهای اخلاقی را تبیین کرد. عشق به زیبایی و خیر هر چند از آن دیگری باشد امری است که مکمل اخلاقی زیستن انسان است. از نظر بلیک چنین نیست که صرفاً التزام به ارزشهای اخلاقی و زیبایی امری مربوط به فرد باشد و توجه به دیگران و خیر و زیبایی آنها، دارای ارزش اخلاقی دیگر خواهی است که با اخلاق خودگروانه کسب نمی شود. بلیک در یکی از اشعار خود به این موضوع توجه داشته است:

«گلی به من پیش کش شده بود
گلی که بهار نیز هرگز نمی توانست زیبایی اش را تاب آورد
اما من گفتم که درخت رز زیبایی دارم
و آن گل زیبا را نا دیده گرفتم
سپس به سوی درخت رز زیبایم رفتم
برای اینکه شبانه روز از او مراقبت کنم
اما رز من با حسادت از من روی برگرداند
و خارهای او تنها دل خوشی من بودند.»

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۴۰۲
[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

My Pretty Rose Tree

A flower was offered to me,
Such a flower as May never bore; But I said 'I've a pretty rose tree,' And I passed the sweet flower o'er.
Then I went to my pretty rose tree,
To tend her by day and by night;
But my rose turned away with jealousy, and her thorns were my only delight.

التزام به ارزشهای اخلاقی در اشعار فریدون مشیری

فریدون مشیری از شاعران مطرح معاصر ایران است که اشعارش ذیل مکتب رمانتیسیم طبقه بندی می شود. با تحقیق در اشعار او می توان دریافت که مشیری بر نوعی از تعهد بر ارزشهای اخلاقی تاکید دارد که در شاخصه های شعری مکتب رمانتیسم هم به آن تصریح شده است .در این نگرش به اخلاق، رذایل اخلاقی نظیر خشم و خشونت، ظلم به دیگران و بی عدالتی ذیل مباحث رمانتیسیم فردی و اجتماعی مطرح و مذموم شمرده می شوند .در زبان شعری مشیری با نکوهش بسیاری از واقعیتهای جامعه که مذموم است به ارایه ارزشهای اخلاقی نظیرعدالت، انسانیت و توجه به ابعاد انسانی، صلح و آشتی، مهرورزی، عشق و محبت می پردازد .اصول ارزشهای اخلاقی در مکتب رمانتیسیم مهرورزی و محبت است . همین عناصر در شعر مشیری به شکل عشق، محبت، مهر و عاطفه نمود پیدا می کند .به همین دلیل در اشعار مشیری اصول ارزشهای اخلاقی بر اساس گزاره هایی شکل می گیرد که مبتنی بر مهر و راستی ، درستی ،عشق و محبت است : «ای همه مردم، در ین جهان به چه کارید؟ عمر گران مایه را چگونه گذرانید؟» فریدون ارزشهای اخلاقی را ضمن موضوعاتی نظیر فقدان مؤلفه های آزادگی، پاکی، مروت مطرح می کند. گاهی احساسات انسان دوستانه شاعر باعث میشود او گامهایش را از وطن محدود و معین فراتر گذارد و صلح و دوستی و آرامش را برای جهانیان آرزو کند(۱۷). به نظر مشیری التزام به ارزشهای اخلاقی سبب آشتی و صلح است که از طریق طمع نکردن به مال یکدیگر از جنگ، خونریزی، فتنه و آشوب اجتناب می شود .ضمن التزام به ارزشهای اخلاقی، عشق، دوستی، محبت و صفا پدیدار می شود . التزام به ارزشهای اخلاقی نزد مشیری مبتنی بر امید است که در آن بازگشت انسان به انسانیت مطرح است . به همین دلیل اساس ارزشهای اخلاقی را امری عام و جهانشمول می داند که فراتر از مرزهای جغرافیایی است و نسخه ای با نام« دوست بدارید » را برای تمام مردم جهان تجویز می‌کند : «ای همه مردم، در این جهان به چه کارید؟ /عمر گرانمایه را چگونه گذرانید؟/ هرچه در عالم بود اگر به کف آرید، /هیچ ندارید اگر عشق ندارید / وای شما !دل به عشق اگر نسپارید، /گر به ثریا رسید، هیچ نیرزید/ عشق بورزید / !دوست بدارید» (۱۸).

به نظر مشیری، سلوک اخلاقی بر اساس «دوست داشتن» و «مهر ورزیدن[۱۵]» نیاز به نوعی ایمان دارد که بر اساس آن ارزشهای اخلاقی نظیر «صبر» و «تحمل بر خرده گیری » را نیز به همراه دارد: «شرمنده از خود نیستم گر چون مسیحا/آن جا که فریاد از جگر باید کشیدن/من با صبوری، بر جگر دندان فشردم/اما اگر \پیکار با نابخردان را/شمشیر باید می گرفتم/بر من نگیری، من به راه مهر رفتم» (۱۹). اما به نظر مشیری این پایندی به ارزشهای اخلاقی نظیر مهر ورزیدن، دارای حقیقتی است که انسان را به سعادت می رساند: «مهری که از نسیم رسد بر گل/همتای مهر مادر و فرزند است/آیا نسیم روح مسیحا نیست/کز ذره ذره زندگی آکنده است.»(۲۰). نگرش مشیری به اخلاق نظیر مهر و عشق ورزی، علیرغم بد بودن روزگار یا بدرفتاری دیگران، یادآور اخلاقی است که در دین اسلام و مسیحیت درباره حضرت مسیح (ع) و پیام آوری او برای آموزه اخلاقی دوستی و مهرورزی آورده است. اما این رویکرد اخلاقی به منزله غیر اجتماعی بودن ارزشهای اخلاقی نزد مشیری نیست و او در این زمینه معتقد است که می باید ارزشهای اخلاقی را در جامعه نیز پیگیری کرد. در این رابطه نظر او نظیر نگرش نیما یوشیج در شعر «آی آدمها» است:

موج می آمد چون کوه به ساحل می خورد/از دل تیره امواج بلند آوا
که غریقی را در خویش فرو می برد/ و غریوش را با مشت فرو میکشت
نعره ای خسته و خونین بشریت را/ به کمک می طلبید/ آی آدمها...آی آدمها
ما شنیدیم و به یاری نشتابیدیم
به خیالی که قضا/ به گمانی که قدر بر سر آن خسته گذاری بکند
دستی از غیب برون آید و کاری بکند(۱۸). در نگرش مشیری رویکرد اخلاقی به دوستی و مهر سبب ارزش اخلاقی از خود گذشتگی در انسان می شود که نمودی اجتماعی از اخلاق دارد: «هرگز سپیده دم را/ این گونه سرخ ندیدم/ رگبار بی امان قساوت را/هرگز/این سان درازنا نشنیدم/موج عظیم مردم/جوشان و دادخواه/فریاد می کشیدند/از جان خود گذشتیم/با خون خود نوشتیم/یا مرگ یا مصدق/یا مرگ یا مصدق» (۲۰)

بر این اساس است که علاوه بر «دوست داشتن»، تلاش برای میهن دوستی نیز از مولفه های اخلاقی شمرده می شود: «سی سال \پیکار بر آن پیمان پیمود/جان بر سر پیکارش فرسود و نیاسود/وجدانش بیدار/ایمانش روشن/ جانمایه شعرش همه ایرانی و ایران/طومار نسب نامه گردان و دلیران/نظمی که پی افکند/کاخی که بنا کرد» (۲۰)

نگرش مشیری در زمینه دنیا و اموری مادی دنیوی نیز اخلاق محور است و به بی اعتباری روزگار و عاریتی بودن امور مادی دنیوی تاکید می کند. به نظر مشیری رذیلت اخلاقی دنیا پرستی سبب بی رحمی و کشتار انسانها در جهان معاصر است: «آنچه ویران می کند روح مرا/ بی رحمی انسان به انسان است/گرچه صدها صد هزاران آدمی را/ کوره های شوم انسان سوز بلعیده است باز/ حتی کشتن یک مرغ با دست بشر/در باورم آسان نگنجیده است.»(۱۹)

«آنک !آن شاعرِ آزاده آزاده پرست، عاشق شادی و زیبایی و مهر،که وضو ساخته از چشمه عشق چار تکبیر زده یکسره بر هر چه

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

که هست، چون سلیمانِ جهان است، ولی بـاد بـه دسـت !تـاجی از سـلطنت فقر به سـر،کاغذین جامه آغشـته به خونش در بر،تشـنه صـحبت پیر، گر ز مسجد به خرابات رود خرده مگیر !همچو جامش، لب اگر خندان است؛ دل پر خونش اندوه عمیقی دارد(۲۰).

ارزشهای اخلاقی در اشعار مشیری بر اساس گزاره « دوست بداریـد » امری جهانشمول برای تمام مردم جهان تجویز می‌کند:«ای همه مردم، در این جهان به چه کارید؟ /عمر گرانمایه را چگونه گذرانید؟/ هرچه در عالم بود اگر به کف آرید، /هیچ ندارید اگـر عشـق نداریـد / وای شما !دل به عشق اگر نسپارید، /گر به ثریا رسید، هیچ نیرزید/ عشق بورزید / !دوست بدارید» (۲۱)

«شعر او زبان در سخن شاعری است که دوسـت نـدارد در پنـاه جبهـه خاص، مکتب خاص خود را از اهل عصر جدا سازد. او بی ریـا عشـق را می ستاید، انسان را می ستاید و ایران را، که جان او به فرهنگ آن بسته است می ستاید» (۲۲). او شاعری است که با سادگی و صمیمیت و قلب مهربان و اشعار لطیفش شاعر مهربانی، طبیعت و انسـانیت نـام گرفتـه، انسانی است صمیمی و صادق که شـعرش آینـه تمـام نمـای احـوال و صفات اوست «شعر او تبلور یک فرهنگ است و فرهنگ نمودی معنایی دارد در یک ساخت هنری جلوه گر می شود و جاودانه تـر مـی گـردد» (۲۳). مشیری در شعری بایسته های اخلاقی را بر اساس آنچه در شرایع الهی نیز به آن تاکید کرده است، معرفی مـی کنـد: «دنیـا خانـه مهـر و محبت بود/ دلم می خواست: مردم در همه احوال با هـم آشـتی بودنـد/ طمع در مال یکدیگر نمی کردند/کمر بر قتل یکدیگر نمـی بسـتند/مراد خویش را در نامرادی های یکدیگر نمی جستند/ از این خون ریختن ها، فتنه ها، پرهیز می کردند/ چو کفتاران خون آشام، کمتر چنگ و دنـدان تیز می کردند/ چه شیرین است وقتی سینه ها از مهر آکنده اسـت/ چـه شیرین است وقتی آفتاب دوسـتی/ در آسـمان دهـر تابنـده اسـت/ چـه شیرین است وقتی زندگی خالی ز نیرنگ است(۱۸).

عشق نزد مشیری از این رو اساس التزام به ارزشهای اخلاقی است کـه نه تنها سبب مهرورزی و دوستی اسـت بلکـه دریچـه ای بـرای دیـدن دیگری و حتی غمخوارگی دشمن است: «مشـیری شـاعری اسـت کـه عشق را می ستاید انسان را می ستاید و در دنیایی که حریفانش غزل را فریاد می کنند عشق را فاجعه می سازند و زیبایی را بی سیرت می کنند او همچنان نجابت احساس و صدق و صفای شاعرانه اش را که شایسته و نشانه یک هنرمند واقعی است حفظ می کند. عشق را زمزمه می کنـد و از دیار دوستی از دیار آشتی پیام انسانیت را در گوش ما مـی خوانـد» (۲۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این نوشتار دربارهٔ التزام به ارزشهای اخلاقی در مکتب رمانتیسیم با رویکرد به اشعار فریدون مشیری و ویلیام بلیک آمد چنـین می توان نتیجه گرفت که نگرش بلیک به ارزشهای اخلاقی و معیار آنها امری فی نفسه و جاودانی است. بلیک این امر را صرفاً لذت جسمانی یا فردی نمی داند. به نوعی در اشعار بلیک ریشه و مبدأ ارزشهای اخلاقـی مشخص و به آن پرداخته شده است. این امـر در اشـعار مشـیری مـبهم است، مشیری دلیلی برای بدست دادن ریشـه هـای ارزشـهای اخلاقـی نمی بیند و آنرا امری واضح می داند زیرا خوب و بد و بر اساس آنچه در اجتماع از درد و رنج و بدی در اشعارش به آن می پردازد، هویـدا اسـت. ضمن بحث چگونگی التزام به ارزشهای اخلاقی نیز دو شاعر رویکـردی متفاوت دارند. در اشـعار مشـیری بـه شـیوه ی توصـیه ای هنجارهـای اخلاقی بیان شده و فرد و اجتمـاع بـرای التـزام بـه ارزشـهای اخلاقـی انسانی دعوت می شوند در این میان تأکید بر مهرورزی و نـوع دوسـتی مهمترین شاخصه های التزام به ارزشهای اخلاقی برای عبور از عصر بی اخلاقی معرفی می شوند. در اشعار بلیک اما التزام به ارزشهای اخلاقـی نوعی سلوک درونی است که در آن حتی وجود داشتن بدی هایی نظیـر فقر در اجتماع امری در جهت زیبایی کلی و خیر جهان است. بلیـک بـر اساس همین نگرش مهمترین ارزشهای اخلاقـی را بخشـش، شـفقت و صلح را می داند. در انتها باید تأکید داشت کـه مهمتـرین امـر الـزام آور برای عمل به ارزشهای اخلاقی و التـزام بـه آن عشـق اسـت کـه نـزد مشیری امری انسانی و دینی است و به همین لحـاظ توجـه بـه متـون دینی و خصـایص پیـامبران الهـی نظیـر مسـیح و اخـلاق مسـیحیت و اسلامی دارد. نزد بلیک عشق امری است که از حس زیبـایی دوسـتی و خیر متجلی در جهان نشأت می گیرد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Ethical principles	مبانی اخلاقی
2. Ethical Values	ارزشهای اخلاقی
3. Romantic attitude	نگرش رمانتیسم
4. Ethics of Romanticism	اخلاق رمانتیسم
5. Nostalgia	نوستالژی
6. Freedom	آزادی
7. Character	شخصیت
8. Emotion and feelings	هیجان و احساسات
9. Intuition	شهود
10. Thinking about death	مرگ اندیشی
11. Return to nature	بازگشت به طبیعت
12. Naturalism	طبیعت گرایی
13. Social ethics	اخلاق اجتماعی
14. Christian ethics	اخلاق مسیحی
15.Kindness	مهرورزی

References

1. Zakavati Gharagozloo A. (2015). Ethics in viewpoint of humanistic, enlightenment and

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۴۰۲

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

meliorism. Ethics in Science and Technology; 9 (4). (In Persian).
2. Shibani P, Joukar N, Jafari SM. (2020). Classification of Ethical Concepts in the Ferdowsi's Shahnameh. Ethics in science and Technology; 14 :37-44. (In Persian) .
3. Bozhmehrani H. (2015). Formulation of moral theory in the modern age; Analysis of Charles Taylor's theory of ethics of originality. Journal of Revelation Science; 4(2). (In Persian).
4. Amini D. (2019). Developing emotion-oriented morality through fiction. Ethics in Science and Technology; 14 (1) :12-18. (In Persian).
5. Arendt H. (2013). Revolution. Translated by Fouladvand E. 4th ed, Iran/Tehran: Kharazmi Publication. (In Persian) .
6. Berlin I. (2006). The roots of romanticism. 1st ed. Iran/Tehran: Mahi Publication. (In Persian).
7. Seyedhoseini R. (1997). Literary schools. 11th ed. Itan/Tehran: Negah Publication. (In Persian).
8. Servat M. (2006). Introduction to literature schools. 1st ed. Iran/Tehran: Sokhan Publication. (In Persian).
9. Zoozani Z, Firouzimoghadam M. (2019). Profile of the authors of the article A Study of the Elements of Nature in Contemporary Romantic Poetry. 2nd International Conference on the Study of Language, Literature, Culture and History, Georgia .
10. Hoseinpourjafi A. (2005). Contemporary Persian poetic currents. 1st ed. Iran/Tehran: Amirkabir Publication (In Persian).
11. Ayoubi Y. (1984). The religions of literature, teachings and reflections. 1st ed. Beirut: The second nature of the Dar al-Alam. (In Arabic).
12. Aljeydeh A. (1980). New trends in contemporary Arabic poetry. 1st ed. Beirut: First Nature Nofal Foundation. (In Arabic).
13. Afshar H. (2001). Naturalism. 3rd ed. Iran/Tehran: Markaz Publication. (In Persian).
14. Saeedpour S. (1996). William Blake poet and painter of mission and prophecy. Art Magazine; 3. (In Persian).
15. Erdman DV, Bloom H, Golding W. (1982). The complete poetry & prose of William Blake. 1st ed. USA: Anchor Publication.
16. Salahi Moghadam S. (2008). A comparative study between Jalaluddin Mohammad Rumi and William Blake. 1st ed. Iran/Tehran: Susan Publication. (In Persian).
17. Sharifian M. (2007). Investigating the process of nostalgia for homesickness in the poems of Fereydoun Moshiri. Al-Zahra University Humanities Quarterly; 68: 64-85. (In Persian).
18. Moshiri F. (2007). Reflection of our morning breath: Poetry collection. 1st ed. Iran/Tehran: Cheshmeh Publication. (In Persian).
19. Moshiri F. (1999). From the land of reconciliation 1st ed. Iran/Tehran: Cheshmeh Publication. (In Persian).
20. Moshiri F. (2000). Until the bright morning of Ahura. 1st ed. Iran/Tehran: Cheshmeh Publication. (In Persian).
21. Moshiri F. (1989). Pearl seal. 1st ed. Iran/Tehran: Cheshmeh Publication. (In Persian).
22. Zarrinkoub A. (1993). Trick and Persian language; From the land of reconciliation. Journal of Kelk; 45: 7-9. (In Persian).
23. Sangtarash H. (2006). A study of the mind and language of Fereydoun Moshiri. [M.A thesis]. Persian Literature & Langugae, Sistan & Baluchistan University. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.2.3.2]
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-21]